

## علوم و فنون ادبی ۲

۱- ویژگی‌های زبانی شعر سبک هندی در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- ۱) راه‌یابی زبان کوچه و بازار به شعر - رواج لغات ترکی در شعر
- ۲) کاربرد فراوان لغات عربی در شعر - حذف بسیاری از لغات ادبی قدیم از شعر
- ۳) به‌کارگیری دوباره لغات ادبی قدیم در شعر - از بین رفتن لغات ترکی
- ۴) به‌کارگیری مختصات زبانی سبک خراسانی - گسترش دایره واژگانی شعر

۲- همه گزینه‌ها از نظر تاریخ ادبیات درست است؛ به جز:

- ۱) شاعران سبک هندی به موضوع‌هایی مثل اندرز، مضمون آفرینی و باریکاندیشی روی آوردند.
- ۲) شعر سبک هندی از حوزه تصرف شاعران باسواد و آگاه به فنون ادب خارج شد و در دسترس عامه قرار گرفت.
- ۳) حکومت صفوی شاعران را به سرودن اشعار مدحی و درباری و عاشقانه ترغیب می‌کرد و مشوق آموزه‌های سنتی عرفانی بود.
- ۴) سبک هندی از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم هجری قمری به مدت ۱۵۰ سال در تاریخ ادبیات فارسی رواج داشت.

۳- کدام گزینه از ویژگی‌های زبانی نثر سبک هندی، نیست؟

- ۱) در آمیختگی نظم و نثر
- ۲) کاربرد افعال با پیشوندهای متعدّد
- ۳) فراوانی لغات ترکی و مغولی
- ۴) آوردن جملات کوتاه

۴- دیباجة کدام دو اثر به نثر مصنوع است؟

- ۱) عین‌الحیات - جامع عباسی
- ۲) عالم‌آرای عباسی - تذکره شاه طهماسب
- ۳) شرفنامه بدلیسی - عیار دانش
- ۴) مجالس المؤمنین - حبیب السیر

۵- آثار کدام گزینه به ترتیب در موضوع «تاریخ، عرفان، فقه، زندگی‌نامه» نگاه‌شده شده است؟

- ۱) عالم‌آرای عباسی - عیار دانش - مجالس المؤمنین - عین‌الحیات
- ۲) تذکره شاه طهماسب - عین‌الحیات - جامع عباسی - مجالس المؤمنین
- ۳) عالم‌آرای عباسی - عین‌الحیات - مجالس المؤمنین - بدایع الوقایع
- ۴) جامع عباسی - مجالس المؤمنین - شرفنامه بدلیسی - عین‌الحیات

۶- کدام دو اثر تماماً به نثر مصنوع نوشته شده است؟

- ۱) عباس‌نامه - محبوب القلوب
- ۲) شرفنامه بدلیسی - عیار دانش
- ۳) جامع عباسی - عیار دانش
- ۴) بدایع الوقایع - شرفنامه بدلیسی

۷- دو اثر «حبیب السیر و احسن التواریخ» به ترتیب از چه کسانی است؟ نوع نثر آن‌ها چیست؟

- ۱) وحید قزوینی - میرزا برخوردار فراهی / مصنوع
- ۲) خواندمیر - حسن بیگ روملو / مصنوع
- ۳) وحید قزوینی - میرزا برخوردار فراهی / بینابین
- ۴) خواندمیر - حسن بیگ روملو / بینابین

۸- کدام بیت بر وزن «مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن» است؟

- ۱) اول پدر پیر خورد رطل دمام / تا مدعیان هیچ نگویند جوان را
- ۲) ره به در از کوی دوست نیست که بیرون برند / سلسله پای جمع زلف پریشان اوست
- ۳) باری به چشم احسان در حال ما نظر کن / کز خوان پادشاهان راحت بود گدا را
- ۴) دیگر نشنیدیم چنین فتنه که برخاست / از خانه برون آمد و بازار بیاراست

۹- وزن بیت زیر، کدام است؟

«گر برود به هر قدم در ره دیدنت سری / من نه حریف رفتنم از در تو به هر دری»

- ۱) مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن
- ۲) مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن
- ۳) مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن
- ۴) مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

۱۰- وزن کدام مصرع در مقابل آن، نادرست است؟

- ۱) من بی تو زندگانی، خود را نمی‌پسندم (مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن)
- ۲) عیب‌کنندم که چند در پی خوبان روی (مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن)
- ۳) هم عارفان عاشق دانند حال مسکین (مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن)
- ۴) این لطافت که تو داری همه دل‌ها بفریبید (مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن)

۱۱- وزن کدام بیت، همسان دولختی است؟

- (۱) ای مهر تو در دل‌ها وی مهر تو بر لب‌ها / وی شور تو در سرها وی سر تو در جان‌ها  
(۲) من از اینجا به ملامت نروم / که من اینجا به امیدی گروم  
(۳) ندارد با تو بازاری مگر شوریده اسراری / که مهرش در میان جان و مهرش بر دهان باشد  
(۴) وجودم به تنگ آمد از جور تنگی / شدم در سفر روزگاری در تنگی

۱۲- در همه ابیات استعاره مکنیه به کار رفته؛ به جز:

- (۱) در قیامت چو سر از خاک لحد بردارم / گرد سودای تو بر دامن جانم باشد  
(۲) عاشق ز سوز درد تو فریاد در نهاد / مؤمن ز دست عشق تو زَنار برگرفت  
(۳) گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی / دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را  
(۴) هزار نقش برآرد زمانه و نبود / یکی چنان که در آینه تصور ماست

۱۳- در کدام بیت اضافه استعاری مشاهده نمی‌شود؟

- (۱) تا به گریبان نرسد دست مرگ / دست ز دامن نکنیمت رها  
(۲) دیگر ای باد، حدیث گل و سنبل نکنی / گر به آن سنبل زلف و گل رخسار آیی  
(۳) دلشده پای‌بند گردن جان در کمند / زهره گفتار نه کاین چه سبب وان چراست  
(۴) به موی تافته پای دلم فروبستی / چو موی تافتی ای نیکبخت، روی متاب

۱۴- در بیت زیر، چند استعاره وجود دارد؟

«ای چشم خرد حیران در منظر مطبوعت / وی دست نظر کوتاه از دامن ادراکت»

(۴) یک

- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار

۱۵- در کدام بیت استعاره مصرحه وجود ندارد؟

- (۱) آن‌چه از نرگس مخمور تو در چشم من است / برنخیزد به گل و لاله و ریحان دیدن  
(۲) تو یوسف مصر قدسی ای جان عزیز / تا کی باشی در بن این چاه آخر  
(۳) دوست دارم که بپوشی رخ همچون قمرت / تا چو خورشید نبینند به هر بام و درت  
(۴) گر ماه من برافکند ز رخ نقاب را / برقع فرو هلد به جمال آفتاب را